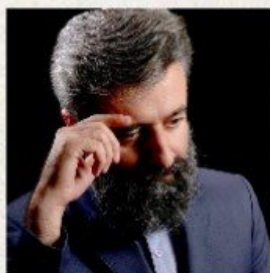


< هو الحکیم >

عنوان:

تقسیم بندی موجودات (نور و ظلمت) از منظر شیخ اشراق



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI

یک تفاوتی بین فلسفه‌ی اشراق و مشاء هست که ابن‌سینا و فلاسفه‌ی مشاء، واجب‌الوجود را داخل مقوله نمی‌دانستند. یعنی می‌گفتند مقولات ده تاست؛ یک جوهر و نه تا عَرَض. می‌گفتند این‌ها نسبت به ماهیات هست. تقسیم مقولی که می‌خواستند بکنند، می‌گفتند فقط در مورد ممکنات ما این تقسیم‌بندی را می‌کنیم. اما شیخ اشراق، واجب‌الوجود را هم داخل این مقولات گنجانده؛ نحوه‌ی اعتبارش متفاوت هست. تقسیم‌بندی که ایشان می‌کند که واجب‌الوجود را داخل این مقولات قرار داده، به این نحو هست: می‌گوید موجودات یا نور هستند یا ظلمت؛ نور یا بی‌نیاز از محل هست، یعنی نیازمند به محل نیست که بخواهد استقرار به آن پیدا کند (جوهر)؛ یا نیازمند محل هست که این عَرَض هست. ظلمت هم این تقسیم‌بندی را می‌کند؛ می‌گوید یا بی‌نیاز از محل هست (جوهر)؛ که گفته شد همان برزخ جسم غاسق و هیئت ظلمانی هست؛ یا نیازمند محل هست که همان عَرَض هست. لذا این‌جا در ادامه‌ی فصول بعدی می‌گوید ذات مقدس پروردگار نورالأنوار هست و این را در این مقوله قرار می‌دهد. یعنی این تقسیم‌بندی مقولی که می‌کند، واجب‌الوجود هم قرار می‌دهد. اما در فلسفه‌ی مشاء وقتی بیان می‌کنند می‌گویند ماهیت تقسیم می‌شود به جوهر و عَرَض؛ اصلاً دیگر وارد بحث واجب‌الوجود نمی‌شوند. می‌گویند واجب‌الوجود اصلاً ماهیت ندارد که ما بخواهیم این را وارد کنیم! لذا یک تقسیم‌بندی دیگری دارند و واجب‌الوجود را وارد مقولات نمی‌کنند.